



Corporate Governance and Aggressive Business Strategy of Companies

M. H. Fatheh ^{1*}, P. Rahamani Darenjani ²

1- Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran.
2- MSc., Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(*- Corresponding Author Email: mh_fatfeh@pnu.ac.ir)

<https://doi.org/10.22067/mfe.2023.81265.1287>

Received: 2023/02/21	How to cite this article: Fatheh, M. H., & Rahmani Darenjani, P. (2023). Corporate Governance and Aggressive Business Strategy of Companies. <i>Quarterly Monetary & Financial Economics Journal</i> , 30(1): 233-260. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/mfe.2023.81265.1287
Revised: 2023/04/26	
Accepted: 2023/07/17	
Available Online: 2023/07/17	

1- INTRODUCTION

The business strategy of companies plays an essential role in achieving the company's goals, and strategies should be adopted based on the company's ability, resources, and goals. Choosing the wrong strategy can jeopardize the interests of the stakeholders and the company. As a result, the adoption of strategy by managers should be monitored. Meanwhile, corporate governance with two arms of non-commissioned managers and the audit committee as tools for monitoring the performance of managers and the overall performance of companies, is probably effective in adopting business strategy. Therefore, the purpose of this study is to provide new



©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

evidence about the relationship between the quality of the board of directors and the audit committee as two fundamental pillars of corporate governance, in relation to the aggressive business strategy of commercial units.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

One of the variables influencing the policies and performance of companies is business strategy. Strategy includes a set of decision-making rules that direct the organization's overall behavior. These decision-making rules determine the organization's relationships with its external environment. In general, business strategy consists of integrated actions in search of competitive advantage. In the organizational literature, two major, different and complementary concepts are examined for the survival and progress of organizations, those two concepts are management and governance. In the concept of management, the main emphasis is on the methods of achieving organizational goals, while the concept of governance is a supervisory concept. The characteristics of the board of directors of companies refer to the mechanisms of corporate governance and the role of board members in monitoring the affairs of companies. Corporate governance is a system that not only enhances the relationship between different parties (shareholders, managers and investors of the company), but also ensures the availability of appropriate resources among competing users. In addition, it provides structures through which firm goals are formulated and ways to achieve goals as well as performance reviews. The purpose of creating an audit committee is to create a set of experts and specialists to monitor management activities on behalf of company owners.

The audit committee is a sub-committee under the framework of corporate governance, in which the board of directors assigns some supervisory responsibilities to it. The board of directors and the audit committee are the main pillars of corporate governance and have the duty of fiduciary and protecting the interests of shareholders and supervise the implementation of the company's internal controls.

3- METHODOLOGY

The current research is applied and from the methodological point of view, the correlation is causal type (post-event). The statistical population of the research is all the companies admitted to the Tehran Stock Exchange, and using screening, 131 companies were selected as the research sample and were investigated in the 10-year period between 1390 and 1399.

4- RESULTS & DISCUSSION

The results of the research hypotheses test showed that in the first hypothesis, the quality of the board of directors has a direct effect on the aggressive business strategy of the companies. The results of the second hypothesis also showed that the quality of the audit committee has no effect on the aggressive business strategy of the companies.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

Companies that want to progress and surpass their competitors in the market by choosing an aggressive strategy and using new operational plans and new technologies, actually accept a kind of risk and hazard that should be in the shadow of principled and accurate planning, so such companies They require strict internal controls that are the result of managers' careful supervision and strong and quality corporate governance, and the results obtained show that improving the quality of the board of directors can have a positive impact on choosing an aggressive business strategy.

Keywords: Corporate Governance, Audit Committee, Board of Directors, Aggressive Business Strategy.

حاکمیت شرکتی و استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها

محمدحسین فتحه*

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پریسا رحمانی دارنجانی

کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

<https://doi.org/10.22067/mfe.2023.81265.1287>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

استراتژی کسب و کار شرکت‌ها در دستیابی به اهداف شرکت، نقش اساسی را بر عهده دارد و استراتژی‌ها می‌بایست بر اساس توانایی، منابع و اهداف شرکت اتخاذ گردد. انتخاب استراتژی اشتباه می‌تواند منافع ذینفعان و شرکت را به خطر بیندازد؛ از این رو باید بر اتخاذ استراتژی توسط مدیران، نظارت شود. در این بین حاکمیت شرکتی با دو بازوی مدیران غیرموظف و کمیته حسابرسی به‌عنوان ابزارهای نظارت بر عملکرد مدیران و عملکرد کلی شرکت‌ها، احتمالاً در اتخاذ استراتژی کسب و کار مؤثر است؛ بنابراین هدف این مطالعه ارائه شواهدی جدید، در مورد رابطه بین حاکمیت هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی به‌عنوان دو رکن اساسی حاکمیت شرکتی، نسبت به استراتژی تهاجمی کسب و کار واحدهای تجاری است. پژوهش حاضر بنیادی و از بعد روش‌شناسی، همبستگی از نوع علی (پس‌رویدادی) است. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از غربالگری، ۱۳۱ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره زمانی ۱۰ ساله بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد در فرضیه اول کیفیت هیئت‌مدیره تأثیر مستقیم بر استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها دارد. نتایج فرضیه دوم نیز نشان داد کیفیت کمیته حسابرسی تأثیری بر استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها ندارد. شرکت‌هایی که خواستار پیشرفت و پیشی گرفتن از رقبای بازار می‌باشند با انتخاب استراتژی تهاجمی و استفاده از برنامه‌های عملیاتی نوین و فناوری‌های جدید، در واقع نوعی ریسک و مخاطره را قبول می‌نمایند که می‌بایست در سایه برنامه‌ریزی اصولی و دقیق باشد؛ بنابراین این گونه شرکت‌ها نیازمند کنترل‌های دقیق داخلی که نتیجه نظارت مدیران به‌صورت دقیق و داشتن حاکمیت شرکتی قوی و با کیفیت است، هستند و گواه این امر نیز نتایج به‌دست آمده است که نشان می‌دهد ارتقای کیفیت هیئت‌مدیره می‌تواند بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار تأثیر مستقیم داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی، هیئت‌مدیره، استراتژی تهاجمی.

mh_fatkeh@pnu.ac.ir

* نویسنده مسئول:

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

صفحات: ۲۶۰-۲۳۳

۱- مقدمه

امروزه محیط کسب و کار، محیطی پویا و در حال تغییر، همراه با رقابت شدید بین شرکت‌ها است، لذا این امر نیاز مدیران به انتخاب استراتژی‌های مناسب برای استفاده حداکثری از فرصت‌های محیطی را، افزایش می‌دهد (Snow & Hambrick, 1980). بعلاوه تنها از طریق ایجاد یک نظام منسجم برنامه‌ریزی است که مدیران قادر به انجام صحیح مجموعه وظایف خود می‌باشند و با تبیین و تعیین اهداف و روشن ساختن راه‌های دستیابی به آن، اهداف شرکت‌ها قابل حصول است (Herusetya & Suryadinata, 2022). منظور از فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، دستیابی به یک توافق مقدماتی بر سر شکل و محتوای نظام برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک است، به نحوی که حمایت و تعهد لازم را در تصمیم‌گیرندگان کلیدی و رهبران اصلی مجموعه صنعت مورد مطالعه پدید آورد (Marfoo & Shakri, 2017). موفقیت و ارزش شرکت به انتخاب استراتژی مناسب توسط مدیران بستگی دارد. در واقع با انتخاب استراتژی اشتباه، ممکن است صدمات جبران‌ناپذیری به بدنه شرکت‌ها و منافع ذینفعان وارد شود. شرکت باید شرایط بازار و رقابت‌پذیری و امکانات و بودجه موجود را در نظر بگیرد و استراتژی لازم را اتخاذ کند و اهداف آن استراتژی را تدوین و دنبال نماید. در علم مدیریت، تدوین استراتژی یکی از وظایف خطیر مدیریت است که مبنای تصمیم‌گیری‌های حیاتی مدیران شرکت‌ها و بنگاه‌ها است (Tanani & Mohebkah, 2013). استراتژی کسب و کار را می‌توان به‌عنوان پیوندی از فعالیت‌های تصمیم‌گیری شرکت‌ها در سازمان، تولید و عملیات در نظر گرفت (Miles & Snow, 2003). برنامه بلندمدت برای پیگیری اهداف شرکت‌ها عمدتاً توسط استراتژی تجاری هدایت می‌شود. برای حفظ مزیت‌های رقابتی، سیستم پاداش سازمانی، باید با اولویت شرکت‌ها در رسیدن به اهداف استراتژیک، سازگار باشد (Chen & Jermias, 2014)؛ (Yuan et al., 2020). از این رو پرداختن به استراتژی کسب و کار شرکت‌ها ضروری به نظر می‌رسد، زیرا استراتژی کسب و کار مسیری منسجم برای درک رفتار شرکت‌ها در مقابله با رقابت بازار، از جمله تولید، بازاریابی، سرمایه‌گذاری و طراحی سازمان فراهم می‌کند. پژوهش‌های بسیاری اهداف راهبردی شرکت در صنعت و ویژگی‌های عملکردی در استراتژی‌های مختلف تجاری را نشان داده‌اند (Miles et al., 1978)؛ (Hambrick, 1978)؛ (Treacy & Wiersema, 2007)؛ (Miles & Snow, 2003)؛ (Bentley et al., 2013)؛ (Higgins et al., 2015)؛ بنابراین، عوامل گوناگونی می‌تواند بر تصمیم‌گیری شرکت در انتخاب استراتژی کسب و کار نقش داشته باشد، یکی از این عوامل مهم در نحوه انتخاب استراتژی شرکت‌ها، اعضای هیئت‌مدیره می‌باشند، که به‌عنوان ارکان اصلی حاکمیت شرکتی، می‌توانند با نظارت بر کار و تصمیمات مدیران اجرایی از حقوق سایر ذینفعان محافظت و هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند تا

در این راستا شرکت به اهداف و استراتژی‌های بلندمدت خود دست یابد. از عوامل مهم دیگر حاکمیت شرکتی، بحث نظارتی کمیته حسابرسی بر اجرای دقیق کنترل‌های داخلی شرکت‌ها است، تا قوانین طبق اصول و در جهت منافع شرکت اجرایی گردد (Herusetya & Suryadinata, 2022)؛ بنابراین مدیران غیرموظف، سهامداران عمده و کمیته حسابرسی بنابر نقش نظارتی و اولویت حق رأی در شرکت‌ها، قادرند بر تصمیمات مهم شرکت تأثیرگذار باشند، که یکی از این تصمیمات در واقع انتخاب استراتژی کسب‌وکار است، که می‌بایست بر اساس توانایی‌ها و اهداف شرکت اتخاذ گردد. تدوین استراتژی کسب‌وکار به‌عنوان یکی از وظایف خطیر مدیریت در راستای بقا و تعالی سازمان (Rostami et al., 2021)، عمدتاً پیرو یکی از چهار نوع استراتژی "تدافعی"، "تهاجمی (پیشگام یا آینده‌نگر)"، "تحلیلگران" و "منفعلان برای کاهش اثرات منفی محیطی و افزایش استفاده از فرصت‌ها"، است (Miles & Snow, 1978). مدافعان (استراتژی تدافعی) و مهاجمان (استراتژی تهاجمی) در دو سر طیف راهبردهای ممکن برای کسب‌وکار قرار دارند، تحلیلگران نیز در جایی میان مدافعان و مهاجمان قرار گرفته و بخشی از خصوصیات هر یک از دو سر طیف را به نمایش می‌گذارند، اما منفعلان با سایرین متفاوت‌اند (Tanani & Mohebkah, 2013). با توجه به ویژگی‌های شرکت‌های با استراتژی تهاجمی کسب‌وکار، این شرکت‌ها با فناوری‌های پیچیده‌تر و تمرکز بیشتر بر نوآوری و سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز، سعی می‌کنند جایگاه خود را در بازار حفظ نمایند. شرکت‌های تهاجمی دارای حاکمیت شرکتی نسبتاً قوی‌تری نسبت به شرکت‌های تدافعی هستند. این حاکمیت شرکتی قوی‌تر برای ایجاد اطمینان و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران به استراتژی‌های نوع تهاجمی مورد نیاز است (Herusetya & Suryadinata, 2022). از طرف دیگر استراتژی تجاری یک شرکت باید جزء اصلی در طراحی یک سیستم کنترل داخلی باشد (Bentlet-Good, 2017). پژوهش‌های پیشین (Mamorabadi et al., 2018؛ Ghofar & Islam, 2015؛ Kim & Park, 2016؛ chen et al., 2017؛ Bentlet-Good, 2017؛ Herusetya & Suryadinata, 2022) نشان داده‌اند که شرکت‌های تهاجمی، به‌احتمال زیاد، کنترل داخلی ضعیف‌تری نسبت به شرکت‌های تدافعی دارند. این شواهد تجربی، مکانیزم حاکمیت شرکتی را از طریق اینکه شرکت از چه نوع استراتژی کسب‌وکار پیروی می‌کند، به چالش می‌کشند؛ زیرا حاکمیت شرکتی در راستای انتخاب و اجرای استراتژی کسب‌وکار شرکت‌ها نقش اساسی را بر عهده دارد و این امر به‌ویژه برای شرکت‌هایی که از استراتژی‌های تجاری تهاجمی استفاده می‌کنند از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا نظارت کافی بر مدیریت برای اصلاح استراتژی تجاری کسب‌وکار در راستای کنترل‌های داخلی از وظایف اصلی حاکمان شرکتی و کمیته حسابرسی است

(chen et al., 2017). از این رو هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی به‌عنوان ارکان اصلی حاکمیت شرکتی، دارای وظیفه امانت‌داری و حفظ منافع سهامداران و ناظر بر اجرای کنترل‌های داخلی شرکت هستند و همچنین بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارند (Menon et al., 1994؛ Abbott et al., 2004؛ Lin & Hwang, 2010؛ Lin et al., 2006؛ Klein et al., 2002؛ Carcello et al., 2011)؛ بنابراین، با توجه به مطالب بیان‌شده، این سؤال در ذهن شکل خواهد گرفت، که آیا کیفیت حاکمیت شرکتی بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها تأثیرگذار است یا خیر؟. در ادامه، ابتدا بسط مبانی نظری، فرضیه‌ها و مبانی تجربی پژوهش ارائه و پیرو آن، روش پژوهش و تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و نهایتاً یافته‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست‌ها و عملکرد شرکت‌ها، استراتژی کسب و کار است (Valizadeh & Khodayi, 2020). در ادبیات سازمانی، استراتژی کسب و کار، یک عنصر منحصر به فرد و اساسی از هویت یک شرکت را نشان می‌دهد و چگونگی رقابت شرکت‌ها در یک کسب و کار خاص را ارائه می‌دهد (Yuan et al., 2020). استراتژی، مجموعه‌ای از قواعد تصمیم‌گیری را در برمی‌گیرد که رفتار کلی سازمان را جهت می‌دهند این قواعد تصمیم‌گیری، تعیین‌کننده روابط سازمان با محیط بیرونی آن است. به‌طور کلی استراتژی تجاری عبارت است از اقداماتی یکپارچه در جستجوی مزیت رقابتی. مزیت رقابتی ابزاری برای رسیدن به رشد اقتصادی و دستیابی به موقعیت مطلوب و پایدار در بازارهای جهانی است (Annarelli et al., 2020). استراتژی تجاری به تعیین واکنش‌های شرکت به تغییرات در صنعت، اقتصاد و عرصه سیاست، در راستای دستیابی به مزیت رقابتی پایدار، می‌پردازد. این استراتژی به‌نوعی برنامه‌مدیریت برای یک حوزه فعالیت یا تجارت معین از سازمان است که منابع سازمانی را به‌منظور دسترسی به عملکرد موفقیت‌آمیز در آن کسب و کار، هدایت می‌کند (Tanani & Mohebkah, 2013). بیشتر سازمان‌ها به‌جای اتخاذ و انتخاب یک نوع استراتژی با رویکردی جامع و یکپارچه، از مجموعه‌ای از استراتژی‌های مرتبط استفاده می‌کنند که هر کدام در سطوح مختلف شرکت طراحی شده‌اند. سه سطح استراتژی در سازمان‌های بزرگ چند محصولی عبارت‌اند از: (۱) استراتژی سازمانی (۲) استراتژی تجاری (کسب و کار) (۳) استراتژی وظیفه (کارکردی). شایان‌ذکر است که در سازمان‌های کوچک‌تر، سطح اول و دوم باهم ادغام شده و سطح جدیدی ایجاد می‌شود. هر استراتژی علاوه بر آوردن شرایط محیطی، با سایر استراتژی‌های سطح شرکت و همچنین نقاط قوت و ضعف واحد سازگار است. هر سطح از این استراتژی ارتباط تنگاتنگی با

سایر سطوح استراتژی دارد و برای رسیدن به موفقیت این سه سطح باید یکپارچه و هماهنگ باشند. استراتژی کسب و کار معمولاً در سطح محصول یا واحد تجاری استراتژیک اجرا می‌شود و این امر بر بهبود موقعیت رقابتی کالاها و خدمات شرکت در یک صنعت خاص یا بخش خاصی از بازار تأکید دارد (Rostami et al., 2021؛ Miles & Snow, 1978). مطابق با دستورالعمل‌های کنترل داخلی، سیستم کنترل داخلی می‌بایست دربرگیرنده سیاست‌ها، رویه‌ها، وظایف، فعالیت‌ها و سایر جنبه‌هایی باشد که در مجموع، به حصول اطمینان معقول از محافظت از دارایی‌ها، کارا و اثربخش بودن عملیات و استراتژی‌های شرکت، رعایت قوانین و مقررات کمک نماید (Bazrafshan, 2015).

در ادبیات سازمانی دو مفهوم عمده، متفاوت و مکمل برای بقا و پیشرفت سازمان‌ها بررسی می‌شود، آن دو مفهوم مدیریت و حاکمیت هستند. در مفهوم مدیریت تأکید عمده بر روش‌های دستیابی به اهداف سازمانی است درحالی‌که مفهوم حاکمیت یک مفهوم نظارتی است. بر حاکمیت شرکتی هم در پژوهش‌های دانشگاهی و هم در پژوهش‌های تجربی تأکید زیادی شده است (Blue Ribbon Commission, 1999؛ Ramsay Report, 2001؛ Sarbanes-Oxley, 2002؛ Bebcuk & Cohen, 2004). حاکمیت شرکتی مکانیزمی برای کاهش فرصت‌طلبی مدیران محسوب می‌شود (Barzegar & Jamil, 2021). کیفیت حاکمیت شرکتی به نحوه اعمال حاکمیت بر یک شرکت سهامی اشاره دارد و بر اساس نحوه واکنش شرکت به سهامداران خود و همچنین سایر ذینفعان در سازمان شکل می‌گیرد. به همین دلیل از نظر عملکرد شرکت‌ها و همچنین کل جامعه مهم تلقی می‌شود. به‌طور کلی، نیاز به حاکمیت شرکتی را می‌توان در تضاد منافع بین ذینفعان در شرکت بیان کرد. این تضاد منافع اغلب به مسائل نمایندگی مربوط می‌شود و به این دلیل است که ذینفعان شرکت، اهداف و برنامه‌های متفاوتی را برای خود دارند (Valizadeh & Khodayi, 2020).

ویژگی‌های هیئت‌مدیره شرکت‌ها به مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و نقش اعضای هیئت‌مدیره در نظارت بر امور شرکت‌ها اشاره دارد. حاکمیت شرکتی سیستمی است که نه تنها روابط بین احزاب مختلف (سهامداران، مدیران و سرمایه‌گذاران شرکت) را افزایش می‌دهد، بلکه از وجود منابع مناسب در میان کاربران رقیب نیز اطمینان می‌دهد. علاوه بر این ساختارهایی را ارائه می‌دهد که از طریق آن‌ها اهداف محکم تدوین می‌شود و راه‌های دستیابی به اهداف و همچنین بررسی عملکردها انجام می‌شود. مباحث حاکمیت شرکتی و نقش اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها در دهه‌های اخیر به دلیل افزایش رسوایی‌های مالی، مورد توجه ویژه پژوهشگران حوزه حسابداری قرار گرفته است. تعیین اهداف سالم و روش‌های مناسب

رسیدن به این اهداف و در نهایت حفظ حقوق تمامی ذینفعان (به‌ویژه سهامداران خرد) هدف نهایی حاکمیت شرکتی است. نگاهی عمیق به تاریخچه حاکمیت شرکت بیانگر تغییرات گسترده‌ای است که شرکت‌ها در نحوه اداره، کنترل منابع و فرآیندهای خود با آن روبرو بوده‌اند. اولین موج ناشی از این‌گونه فعالیت‌ها توسط سرمایه‌گذاران بزرگ روی داد و دومین موج با تسری روند جهانی‌سازی، رشد فناوری اطلاعات، حذف مرزهای فیزیکی و خصوصاً بروز تغییرات سریع در اقتصاد جهان آغاز شد. در کل می‌توان گفت «حاکمیت شرکتی» شامل مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان است و ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن اهداف شرکت تعیین شده و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد آن مشخص می‌گردد.

هدف از ایجاد کمیته حسابرسی ایجاد مجموعه‌ای از کارشناسان و متخصصان برای نظارت بر فعالیت‌های مدیریت به نمایندگی از مالکان شرکت‌ها است. کمیته حسابرسی یک کمیته فرعی تحت چارچوب حاکمیت شرکتی است که در آن هیئت‌مدیره برخی از مسئولیت‌های نظارتی را به آن محول می‌کند. کمیته حسابرسی، کمیته‌ای متشکل از اعضای هیئت‌مدیره است که در ایران به‌طور معمول سه تا پنج نفر مدیر غیرموظف (نه مدیر اجرایی و نه در استخدام شرکت) تشکیل شده است (Hajih & Adeleh, 2018). همچنین این کمیته می‌تواند بر عملکرد مدیران ارشد شرکت نظارت کند و اعمال و تصمیم‌گیری‌های مدیران را تحت نظر داشته باشد. مسئولیت ارزیابی و نظارت بر کنترل‌های داخلی بر عهده کمیته حسابرسی است. از این‌رو برای رسیدن به اهداف مالی کنترل‌های داخلی، نقش کمیته حسابرسی و کیفیت آن اساسی خواهد بود؛ بنابراین هر چه کیفیت این کمیته ارتقاء یابد، نظارت بر کار مدیران نیز افزایش و شرکت از عملکرد بالاتری برخوردار است که لازمه کسب و کار شرکت‌های تهاجمی است (Herusetya & Suryadinata, 2022). برای حفظ کیفیت کمیته حسابرسی بر سه عامل استقلال، دارای تخصص مالی بودن و با سابقه بودن کمیته تأکید شده است. اگرچه در عمل ممکن است اثرات کیفیت کمیته حسابرسی در بلندمدت نمود پیدا کند، اما در افق زمانی کوتاه‌مدت نیز می‌تواند در برداشتن گام‌های متناسب بلندمدت اثربخش باشد (Bazrafshan, 2015). هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی رکن اصلی حاکمیت شرکتی و دارای وظیفه امانت‌داری و حفظ منافع سهامداران و ناظر بر اجرای کنترل‌های داخلی شرکت هستند. با توجه به ویژگی‌های شرکت‌های با استراتژی تهاجمی کسب و کار، این شرکت‌ها می‌بایست دارای حاکمیت شرکتی نسبتاً قوی‌تری نسبت به شرکت‌های تدافعی باشند. حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی قوی‌تر برای ایجاد اطمینان و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران به استراتژی‌های نوع تهاجمی

مورد نیاز است (Herusetya & Suryadinata, 2022)؛ بنابراین به پشتوانه مبانی نظری و تجربی بیان شده، فرضیه‌های پژوهش به شیوه زیر طراحی و ارائه شده است:

فرضیه اول: کیفیت هیئت‌مدیره بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها تأثیرگذار است.

فرضیه دوم: کیفیت کمیته حسابرسی بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها تأثیرگذار است.

حبیب و حسن (۲۰۱۷) به بررسی استراتژی کسب و کار، ارزش بیش از حد سهام و سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج نشان داد استراتژی تجاری بر خطر سقوط قیمت سهام تأثیر دارد و چنین تأثیری در شرکت‌های تهاجمی به صورت افزایشی و در شرکت‌های تدافعی، به صورت کاهش می‌باشد.

بوآلای و اجمی (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان نقش ویژگی‌های کمیته حسابرسی در گزارش پایداری شرکت این گونه بیان نمودند که استقلال اعضاء و فراوانی جلسات نقش مثبتی در تعیین میزان افشا دارد.

متغیرهای کنترلی (اندازه شرکت، سن و نوع حسابرس) با گزارش پایداری شرکت ارتباط مثبتی دارند.

رودیاوارنی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان استراتژی کسب و کار و رقابت در صنایع این گونه بیان کردند که شرکت‌های تهاجمی عملکرد مالی بهتری نسبت به مدافعان دارند و تا دو سال پس از اجرای استراتژی دوام خواهند داشت. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که شرکت‌های نوآور عملکرد بهتری نسبت به مدافعان دارند، به ویژه در سطوح بالای رقابت صنایع. این نتیجه برای مدیران برای اتخاذ یک استراتژی تجاری مناسب در محیط رقابتی ضروری است.

کونگ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان استراتژی کسب و کار، مسئولیت اجتماعی شرکت و شکاف دستمزد درون شرکتی این گونه بیان نمودند که مسئولیت اجتماعی به طور قابل توجهی اثر استراتژی کسب و کار را بر شکاف دستمزد درون شرکتی در شرکت‌های تهاجمی در مقایسه با شرکت‌های تدافعی کاهش می‌دهد که تأثیر آن عمدتاً ناشی از رشد دستمزد کارکنان است. به طور مقطعی، اثر تعدیل کننده فوق با محدودیت‌های تأمین مالی، معاملات بیش از حد با اشخاص وابسته و تمرکز صنعت تضعیف می‌شود.

هروستیا و سوریادیناتا (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی بر استراتژی تهاجمی کسب و کار این گونه بیان نمودند که اثربخشی حاکمیت شرکتی ارتباط مثبتی با استراتژی‌های تهاجمی کسب و کار دارد. همچنین اثربخشی کمیته حسابرسی با استراتژی‌های تهاجمی ارتباط منفی دارد. نتایج دارای پیامدهای عملی قابل توجهی هستند تا به توضیح این موضوع کمک کنند که علیرغم مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی که شرکت‌های تهاجمی به دلیل کسب و کار خاص خود همچنان کنترل داخلی ضعیف تری نسبت به شرکت‌های تدافعی دارند.

ممرآبادی و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار و ضعف کنترل‌های داخلی این‌گونه بیان نمودند که بین استراتژی کسب و کار و ضعف کنترل‌های داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

رستمی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر رقابت در بازار محصول و چرخه عمر بر استراتژی کسب و کار شرکت‌ها با تأکید بر شرکت‌های جدید این‌گونه بیان کردند که رقابت بازار محصول بر استراتژی کسب و کار تأثیر معناداری داشته و شرکت‌های فعال در صنایع با رقابت بالا بیشتر به استراتژی تدافعی کسب و کار رغبت نشان می‌دهند. همچنین چرخه عمر شرکت نیز بر استراتژی کسب و کار تأثیر معناداری دارد و شرکت‌های در مرحله رشد نسبت به شرکت‌های مراحل بلوغ و افول تمایل بیشتری به استراتژی تهاجمی کسب و کار دارند. شدت رقابت در بازار محصول، تمایل شرکت‌های در مرحله رشد را به بهره‌گیری از استراتژی تهاجمی کسب و کار تقلیل می‌دهد. در نهایت شرکت‌های جدید بیشتر به استراتژی فرصت‌طلبانه و شرکت‌های قدیمی‌تر بیشتر به استراتژی تحلیل‌گرانه تمایل نشان می‌دهند.

لک و مولایی بیرگانی (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد این‌گونه بیان نمودند که بین کیفیت حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد اما بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

رحمتی زاده و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان رابطه میان کیفیت حاکمیت شرکتی و افشا اطلاعات و تأثیر آن‌ها بر عملکرد بانک‌ها، این‌گونه عنوان کردند که حاکمیت شرکتی نتوانسته بر کیفیت افشا اطلاعات در بانک‌ها تأثیر گذار باشد.

بذرافشان (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان اثرگذاری کیفیت کمیته حسابرسی بر تحقق اهداف کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی این‌گونه بیان نمودند که کیفیت کمیته حسابرسی موجب کاهش نابرابری اطلاعات می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان داد کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش نابرابری اطلاعات می‌گردد. با این حال در مجموع کیفیت کمیته حسابرسی، تأثیر معنی‌داری بر کیفیت گزارشگری مالی نداشته است.

ناصری و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی (شامل اندازه هیئت‌مدیره، درصد سهامداران نهادی و درصد اعضای غیرموظف) بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش (شامل دوره بازپرداخت بدهی، دوره وصول مطالبات، دوره تبدیل موجودی و چرخه تبدیل وجه نقد) را

موردبررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها حاکی از آن بود که درصد سهامداران نهادی با چرخه تبدیل وجه نقد رابطه معکوس، ولی با دوره وصول مطالبات، دوره بازپرداخت بدهی و دوره تبدیل موجودی رابطه مستقیم دارد. افزون بر این، بین اندازه هیئت‌مدیره و متغیرهای مدیریت سرمایه در گردش رابطه معناداری وجود ندارد.

آزادی و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت‌مدیره با عملکرد شرکت با نقش تعدیلی کمیته حسابرسی این‌گونه بیان نمودند که بین تشکیل کمیته حسابرسی و همچنین پیچیدگی عملیات شرکت با عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با این حال، وجود رابطه معنی‌دار بین اندازه هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت تأیید نشد. به علاوه، نتایج نشان می‌دهند که نه اندازه کمیته حسابرسی و نه تشکیل آن، رابطه بین اندازه هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت را تعدیل نمی‌کنند.

ولی زاده لاریجانی و خدایی (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان اثر تعدیل‌کننده عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت این‌گونه بیان داشتند که بین کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی و کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ اما کیفیت واحد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت اثر تعدیل‌کنندگی ندارد.

یزدی فر و محمدی سه دران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان نقش و اهمیت کمیته‌های حسابرسی، پاداش و معرفی در هیئت‌مدیره شرکت‌ها این‌گونه بیان نمودند که نتایج به دست آمده حاکی از این است که تشکیل کمیته‌های هیئت‌مدیره مزایای بسیار زیادی از جمله مسئولیت‌پذیری، دانش تخصصی، پاسخگویی، تعدیل قدرت مدیرعامل، کاهش پیچیدگی فعالیت‌های تجاری، کاهش مشکلات هماهنگی و ارتباطات، اتخاذ تصمیمات کارآمدتر دارد. این موارد سبب افزایش اثربخشی و کارایی هیئت‌مدیره و در نهایت تقویت سیستم حاکمیت شرکتی می‌شود. همچنین کمیته پاداش می‌تواند با تخصیص بهینه پاداش و شفافیت روند پاداش پرداختی به مدیران، نگرانی‌های سهامداران در مورد میزان پاداش پرداختی به مدیران و رفتار فرصت‌طلبانه آن‌ها را رفع کند؛ بنابراین با توجه به پیچیدگی و تخصصی شدن فعالیت‌های تجاری لازم است توجه بیشتری به کمیته‌های هیئت‌مدیره، به ویژه کمیته پاداش شود.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بنیادی و از بعد روش‌شناسی، همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) است. جامعه آماری موردبررسی در این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره

موردبررسی نیز سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ است. شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که دارای شرایط زیر هستند، به‌عنوان نمونه انتخاب شده است:

به‌منظور قابل‌مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها پایان اسفند باشد؛ در دوره (۱۰ ساله) موردبررسی تغییر دوره مالی نداده باشند؛ اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد؛ جزو بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند. نهایتاً ۱۳۱ شرکت به‌عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش داده‌های ترکیبی با استفاده از نرم‌افزار ایویوز^۱ و ابزار نیرومند استاندارد در آزمون فرضیه‌ها صورت پذیرفته است.

۳-۱ مدل رگرسیونی پژوهش

در پژوهش حاضر به تبعیت از پژوهش هروسیتا و سوریادیناتا (۲۰۲۲) مدل زیر جهت آزمون فرضیات پژوهش معرفی شده است:

$$\text{Strategy}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Boc-Effectiveness}_{i,t} + \beta_2 \text{AC-Effectiveness}_{i,t} + \beta_3 \text{BIG}_{i,t} + \beta_4 \text{FIRM ASSETS}_{i,t} + \beta_5 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_6 \text{Loss}_{i,t} + \beta_7 \text{OCF}_{i,t} + \beta_8 \text{Growth}_{i,t} + \beta_9 \text{BM}_{i,t} + \beta_{10} \text{ROA}_{i,t} + \beta_{11} \text{Age}_{i,t} + e_{i,t}$$

۳-۲ تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل اول پژوهش: کیفیت هیئت‌مدیره (Boc-Effectiveness)

برای سنجش جامع کیفیت هیئت‌مدیره به تبعیت از پژوهش هروسیتا و سوریادیناتا (۲۰۲۲) و ولی زاده لاریجانی و همکاران (۲۰۲۰) از یک شاخص جامع که کیفیت هیئت‌مدیره را نشان می‌دهد، استفاده می‌شود. برای سنجش کیفیت هیئت‌مدیره از میانگین سه شاخص زیر استفاده می‌شود. با مجموع نمرات کسب‌شده هر سال-شرکت رتبه نهایی کیفیت هیئت‌مدیره هر شرکت به‌دست آمده و سپس بر تعداد شاخص‌ها (۳) تقسیم و میانگین آن محاسبه خواهد شد. رتبه‌های بالاتر در این شاخص نشان از کیفیت هیئت‌مدیره بالاتر است.

- استقلال هیئت‌مدیره: نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره. چنان چه نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره، بیش از میانه سال-شرکت‌ها در نمونه باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می‌گیرد.

¹ Eviews

- تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره: نسبت تعداد اعضای دارای تخصص در رشته‌های حسابداری، مدیریت مالی و اقتصاد به کل اعضای هیئت‌مدیره. چنانچه نسبت اعضای دارای تخصص مالی هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره، بیش از میانه سال-شرکت‌ها در نمونه باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می‌گیرد.

- مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی: برای این منظور از درصد مالکیت سهامداران نهادی در شرکت استفاده می‌شود و چنانچه درصد مالکیت سهامداران نهادی بیش از میانه سال-شرکت‌ها در نمونه باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می‌گیرد. درصد سهامداران نهادی، درصد سهامی است که در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بیمه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی یا سرمایه‌گذاری، موسسه‌های مالی و اشخاص حقیقی و حقوقی دارای مالکیت بیش از ۵ درصد سهام است.

متغیر مستقل دوم پژوهش: کیفیت کمیته حسابرسی (AC-Effectivness)

برای سنجش جامع کیفیت کمیته حسابرسی به تبعیت از پژوهش هروسیتا و سوریادیناتا (۲۰۲۲)، بدرافشان (۲۰۱۵) از یک شاخص جامع که کیفیت کمیته حسابرسی را نشان می‌دهد، استفاده می‌شود. برای سنجش کیفیت کمیته حسابرسی از میانگین سه شاخص زیر جهت سنجش کیفیت کمیته حسابرسی استفاده می‌شود. با مجموع نمرات کسب‌شده هر سال-شرکت رتبه نهایی کیفیت کمیته حسابرسی هر شرکت به دست آمده و سپس بر تعداد شاخص‌ها (۳) تقسیم و میانگین آن محاسبه خواهد شد. رتبه‌های بالاتر در این شاخص نشان از کیفیت کمیته حسابرسی بالاتر است.

- استقلال کمیته حسابرسی: نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای کمیته حسابرسی. چنانچه نسبت اعضای غیرموظف کمیته حسابرسی به کل اعضای کمیته حسابرسی، بیش از میانه سال-شرکت‌ها در نمونه باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می‌گیرد.

- تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی: نسبت تعداد اعضای دارای تخصص در رشته‌های حسابداری، مدیریت مالی و اقتصاد به کل اعضای کمیته حسابرسی. چنانچه نسبت اعضای دارای تخصص مالی کمیته حسابرسی به کل اعضای کمیته حسابرسی، بیش از میانه سال-شرکت‌ها در نمونه باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می‌گیرد.

- سابقه تشکیل کمیته حسابرسی: برای این منظور از زمان تشکیل کمیته حسابرسی در شرکت تا سال موردنظر استفاده می‌شود و سابقه تشکیل کمیته حسابرسی محاسبه و چنان چه سابقه تشکیل کمیته حسابرسی بیش از میانه سال- شرکت‌ها در نمونه باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می‌گیرد.

متغیر وابسته پژوهش: استراتژی کسب و کار تهاجمی شرکت‌ها (Strategy)

در پژوهش حاضر به تبعیت از پژوهش هروسیتا و سوریادیناتا (۲۰۲۲) و رستمی و همکاران (۲۰۲۱) و تنانی و محب خواه (۲۰۱۳) برای تعیین نوع استراتژی هر شرکت از سیستم امتیازدهی ترکیبی ایتنر و لارکر^۱ (۱۹۹۷) استفاده می‌شود؛ بدین صورت که برای به دست آوردن امتیازات ترکیبی از پنج نسبت نرخ رشد فروش، هزینه تبلیغات به کل فروش، تعداد کارمندان به فروش، ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری آن و نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود. سیستم امتیازدهی بدین صورت است که ابتدا شرکت‌ها را بر اساس چهار نسبت اول به ترتیب از بالا به پایین در پنج گروه تقسیم می‌کنیم. بدین صورت که شرکتی که در بالاترین پنجگن قرار دارد امتیاز ۵ و شرکتی که در پایین‌ترین پنجگن قرار می‌گیرد امتیاز ۱ را کسب می‌کند و بقیه شرکت‌ها متناسب با پنجگن مربوطه امتیازدهی می‌شوند. سپس شرکت‌ها را بر اساس نسبت آخر به پنج گروه تقسیم می‌کنیم. این بار شرکتی که در بالاترین پنجگن قرار می‌گیرد امتیاز ۱ و شرکتی که در پایین‌ترین پنجگن قرار دارد امتیاز ۵ را کسب می‌کند و بقیه شرکت‌ها متناسب با پنجگن مربوطه امتیازدهی می‌شوند. در مرحله آخر امتیازات به دست آمده از دو مرحله فوق را با یکدیگر جمع می‌نماییم تا امتیاز نهایی هر شرکت به دست آید. دامنه امتیازات ترکیبی (مجموع پنج نسبت فوق) هر شرکت طی یک سال بین ۵ تا ۲۵ خواهد شد. شرکت‌هایی که مجموع امتیازشان در بازه ۵ تا ۱۵ باشد به عنوان شرکت‌های تدافعی و شرکت‌هایی که مجموع امتیازشان در بازه ۱۵ تا ۲۵ باشد به عنوان شرکت‌های تهاجمی هستند. نهایتاً متغیر وابسته پژوهش متغیر کیفی دو ارزشی (۰ و ۱) است که اگر شرکت استراتژی تهاجمی داشته باشد کد (۱) و در غیر این صورت کد (۰) به آن شرکت تعلق می‌گیرد.

¹ Ittner and Larcker

جدول (۱): نحوه امتیازدهی استراتژی کسب و کار

دارایی ثابت	ارزش بازار شرکت	تعداد کارمندان	هزینه تبلیغات	نرخ رشد فروش	پنجک
کل دارایی‌ها	ارزش دفتری شرکت	کل فروش	کل فروش		
۱	۵	۵	۵	۵	اول
۲	۴	۴	۴	۴	دوم
۳	۳	۳	۳	۳	سوم
۴	۲	۲	۲	۲	چهارم
۵	۱	۱	۱	۱	پنجم

متغیرهای کنترلی پژوهش

به تبعیت از پژوهش هروسیتا و سوریدیناتا (۲۰۲۲) متغیرهای کنترلی مدل به شرح زیر ارائه شده است:

اندازه حسابرس (BIG): متغیر کیفی دو ارزشی (۰ و ۱) است، بدین صورت که اگر حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی صورت پذیرفته باشد کد (۱) و در غیر این صورت کد (۰) تعلق خواهد گرفت.

اندازه شرکت (FIRM ASSETS): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.

اهرم مالی (Leverage): نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

زیان ده بودن شرکت (Loss): متغیر کیفی دو ارزشی (۰ و ۱) است، بدین صورت که اگر شرکت زیان ده باشد کد (۱) و در غیر این صورت کد (۰) تعلق خواهد گرفت.

نسبت نقدینگی (OCF): نسبت وجوه نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها.

رشد فروش (Growth): فروش دوره جاری منهای فروش دوره قبل تقسیم بر فروش دوره قبل.

رشد شرکت (BM): نسبت ارزش بازار سهام تقسیم بر ارزش دفتری.

بازده دارایی‌ها (ROA): نسبت سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها.

عمر شرکت (AGE): لگاریتم طبیعی تفاضل تاریخ تأسیس شرکت از سال موردنظر.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱ آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
کیفیت کمیته حسابرسی	Ac-Effectivness	۱۳۱۰	۰/۲۹	۰/۳۳	۱/۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۲۷
کیفیت حاکمیت هیئت مدیره	Boc-Effectivness	۱۳۱۰	۰/۳۴	۰/۳۳	۱/۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۲۴
اندازه شرکت	Firm Assets	۱۳۱۰	۱۴/۴۶	۱۴/۲۰	۱۹/۹۲	۱۱/۱۹	۱/۵۴
رشد فروش	Growth	۱۳۱۰	۰/۳۲	۰/۲۳	۲/۸۹	-۰/۴۷	۰/۵۰
اهرم مالی	Leverage	۱۳۱۰	۰/۵۷	۰/۵۷	۱/۲۴	۰/۱۰	۰/۲۰
نسبت نقدینگی	OCF	۱۳۱۰	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۴۹	-۰/۱۰	۰/۱۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۱۳۱۰	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۵۶	-۰/۲۳	۰/۱۴
رشد شرکت	BM	۱۳۱۰	۴/۰۰	۲/۵۷	۱۴/۹۳	۱/۰۰	۳/۷۱
عمر شرکت	AGE	۱۳۱۰	۳/۵۸	۳/۶۶	۴/۲۳	۲/۱۹	۰/۳۹

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰/۵۷) است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر رشد شرکت برابر با ۳/۷۱ و متغیر نسبت نقدینگی برابر با ۰/۱۲ است که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین مقدار اندازه شرکت برابر با ۱۹/۹۲ است.

۲-۴ آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

متغیرهای استراتژی تهاجمی کسب و کار، اندازه حسابرس و زیان ده بودن شرکت به عنوان متغیر کیفی می باشند که جداول توزیع فراوانی آن ها به شرح ذیل و به ترتیب ارائه شده است:

همان طور که در جدول (۳) قابل مشاهده است، جمع کل سال - شرکت های مورد بررسی برابر با ۱۳۱۰ مورد است که تعداد ۲۸۸ سال - شرکت معادل ۱۷/۴۰ درصد از سال - شرکت ها، دارای استراتژی تهاجمی کسب و کار و تعداد ۱۰۶۲ سال - شرکت معادل ۸۲/۶۰ درصد از سال - شرکت ها فاقد استراتژی تهاجمی کسب و کار می باشند. همچنین تعداد ۱۴۹ سال - شرکت معادل ۱۱/۳۷ درصد از سال - شرکت ها، زیان ده بوده و ۱۱۶۱ سال - شرکت یعنی ۸۸/۶۳ درصد از سال - شرکت ها، زیان ده نبوده اند. نهایتاً تعداد ۲۸۴ سال - شرکت معادل ۲۱/۶۸ درصد از سال - شرکت ها، دارای حسابرس بزرگ و تعداد ۱۰۲۶ سال - شرکت یعنی ۷۸/۳۲ درصد از سال - شرکت ها فاقد حسابرسان بزرگ می باشند.

جدول (۳): توزیع فراوانی متغیرها

نام متغیر	شرح	فراوانی	درصد فراوانی
شرکت های زیان ده	۱	۱۴۹	۱۱/۳۷
شرکت های سود ده	۰	۱۱۶۱	۸۸/۶۳
	جمع کل	۱۳۱۰	۱۰۰
استراتژی تهاجمی کسب و کار دارد	۱	۲۸۸	۱۷/۴۰
استراتژی تهاجمی کسب و کار ندارد	۰	۱۰۶۲	۸۲/۶۰
	جمع کل	۱۳۱۰	۱۰۰
اندازه حسابرس (حسابرس سازمان حسابرسی است)	۱	۲۸۴	۲۱/۶۸
اندازه حسابرس (حسابرس سازمان حسابرسی نیست)	۰	۱۰۲۶	۷۸/۳۲
	جمع کل	۱۳۱۰	۱۰۰

۳-۴ نتیجه آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: کیفیت حاکمیت هیئت مدیره بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت ها تأثیر گذار است.

فرضیه دوم: کیفیت کمیته حسابرسی بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت ها تأثیر گذار است. نتایج جدول (۴) نشان می دهد که متغیر کیفیت حاکمیت هیئت مدیره با ضریب مثبت (۰/۷۷) و سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۳۵) تأثیر مستقیم بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت ها دارد.

و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. متغیر کیفیت کمیته حسابرسی با سطح معنی‌داری بالاتر از ۵ درصد (۰/۲۷) تأثیری بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها ندارد و فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

جدول (۴): نتیجه آزمون فرضیه‌های پژوهش

Strategy _{i,t} = $\beta_0 + \beta_1$ Boc-Effectivness _{i,t} + β_2 AC-Effectivness _{i,t} + β_3 BIG _{i,t} + β_4 FIRM ASSETS _{i,t} + β_5 Leverage _{i,t} + β_6 Loss _{i,t} + β_7 OCF _{i,t} + β_8 Growth _{i,t} + β_9 BM _{i,t} + β_{10} ROA _{i,t} + β_{11} Age _{i,t} + $\epsilon_{i,t}$					
متغیر وابسته: استراتژی تهاجمی کسب و کار					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری
کیفیت حاکمیت هیئت مدیره	Boc-Effectivness	۰/۷۷	۰/۳۶	۲/۱۰	۰/۰۳۵
کیفیت کمیته حسابرسی	Ac-Effectivness	۰/۳۵	۰/۳۲	۱/۰۹	۰/۲۷
اندازه حسابرس	BIG	-۰/۲۵	۰/۲۲	-۱/۱۴	۰/۲۵
اندازه شرکت	Firm Assets	۰/۴۲	۰/۰۵۸	۷/۲۸	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	Leverage	-۱/۷۶	۰/۵۶	-۳/۱۳	۰/۰۰۰۱
زیان ده بودن شرکت	LOSS	۰/۰۳۱	۰/۳۱	۰/۰۹۹	۰/۹۲
نسبت نقدینگی	OCF	۳/۲۶	۰/۸۱	۴/۰۲	۰/۰۰۰۱
رشد فروش	Growth	۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۷۳	۰/۴۵
رشد شرکت	BM	-۰/۵۰	۰/۱۰	-۴/۹۵	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-۲/۶۶	۱/۱۱	-۲/۳۸	۰/۰۱۷
عمر شرکت	AGE	-۰/۶۳	۰/۲۰	-۳/۱۰	۰/۰۰۱
عرض از مبدأ					
سایر آماره‌های اطلاعاتی					
LR آماره			۲۳۷/۷۴۴		
سطح معنی‌داری LR (Prob.)			۰/۰۰۰۰		
ضریب مک فادن			۰/۱۹۶		

متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها، اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت نقدینگی، رشد شرکت و عمر شرکت نیز با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد تأثیر معنادار بر متغیر وابسته پژوهش دارند. ضریب مک فادن برابر با ۱۹/۶ درصد است که نشان می‌دهد ۱۹/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته، به احتمال زیاد عددی بین صفر و

یک است. آماره LR برابر با ۲۳۷/۷۴۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است. از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

۴-۴ تشخیص درصد صحت پیش بینی مدل

یکی از معیارهای نیکویی برازش که آن نیز صرفاً برای مدل های رگرسیون لجستیک کاربرد دارد، درصد صحت پیش بینی است.

جدول (۵): درصد صحت پیش بینی مدل پژوهش

نام مدل	نام متغیر وابسته	پیش بینی کل
درصد صحت پیش بینی مدل پژوهش	استراتژی تهاجمی کسب و کار	۸۳/۸۵۱ درصد

با توجه به نتایج جدول (۵) مشاهده می شود که درصد صحت پیش بینی مدل در مدل پژوهش بیش از ۵۰ درصد است که بیانگر مطلوبیت و صحت مدل است.

۴-۵ برازش مطلوب مدل رگرسیونی

در آزمون هاسمر-لمشو و آندروز اگر سطح معناداری آزمون بیشتر از ۵ درصد باشد بیانگر برازش مطلوب مدل رگرسیونی است.

جدول (۶): نتیجه آزمون هاسمر لمشو برای مدل رگرسیونی پژوهش

فرضیه	مقدار آماره آزمون	سطح معناداری آزمون
برازش مطلوبیت مدل پژوهش	۲/۰۱۸۰	۰/۹۸

با توجه به نتایج جدول (۶) مشاهده می شود سطح معناداری آزمون هاسمر - لمشو برای مدل پژوهش بیش از ۵ درصد می باشند و بیانگر برازش مطلوب مدل رگرسیونی است.

۵. بحث، نتیجه گیری و پیشنهاد های پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی (هیئت مدیره و کمیته حسابرسی) بر استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت ها است. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از غربالگری، ۱۳۱ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره زمانی

۱۰ ساله بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفتند. در پژوهش حاضر، برای رد یا عدم رد فرضیه‌ها حسب مورد از آزمون رگرسیون لجستیک برای فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج بررسی فرضیه اول نشان داد که متغیر کیفیت هیئت‌مدیره با سطح معناداری کمتر از پنج درصد رابطه مستقیم با انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار دارد. استراتژی به‌طور کلی برنامه و چشم‌انداز اهداف آتی یک واحد تجاری در بازاری است که در آن فعالیت می‌کند؛ که در واقع آن استراتژی را برای رسیدن به اهداف خود تدوین و دنبال می‌نماید. تدوین استراتژی کسب و کار یکی از وظایف خطیر مدیریت است که مبنای تصمیم‌گیری‌های حیاتی مدیران شرکت‌ها و نگاه‌ها است، زیرا مدیران باید بقا و تعالی سازمان را حفظ کنند. شرکت‌هایی که خواستار پیشرفت و پیشی گرفتن از رقبا در بازار می‌باشند با انتخاب استراتژی تهاجمی و استفاده‌های از برنامه‌های عملیاتی نوین و استفاده از فناوری‌های جدید در واقع نوعی ریسک و مخاطره را قبول می‌نمایند که می‌بایست در سایه برنامه‌ریزی اصولی و دقیق باشد، بنابراین در این گونه شرکت‌ها نیازمند کنترل‌های دقیق داخلی که نتیجه نظارت مدیران به‌صورت دقیق و داشتن حاکمیت شرکتی قوی و با کیفیت است و گواه این امر نیز نتایج به‌دست آمده است که نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت حاکمیت هیئت‌مدیره می‌تواند بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار تأثیر مستقیم داشته باشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش هروستیا و سوریادیناتا (۲۰۲۲) همسو است. نهایتاً نتایج بررسی آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد که متغیر کیفیت کمیته حسابرسی با سطح معناداری بالاتر از پنج درصد رابطه معناداری با انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها ندارد. هدف از ایجاد کمیته حسابرسی ایجاد مجموعه‌ای از کارشناسان و متخصصان برای نظارت بر فعالیت‌های مدیریت به نمایندگی از مالکان شرکت‌ها است. کمیته حسابرسی یک کمیته فرعی تحت چارچوب حاکمیت شرکتی است که در آن هیئت‌مدیره برخی از مسئولیت‌های نظارتی را به آن محول می‌کند. کمیته حسابرسی به ایجاد ارتباط مناسب بین هیئت‌مدیره، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی شرکت کمک می‌کند. همچنین این کمیته می‌تواند بر عملکرد مدیران ارشد شرکت نظارت کند و اعمال و تصمیم‌گیری‌های مدیران را تحت نظر داشته باشد. از آنجایی که کمیته حسابرسی قوی و با کیفیت می‌تواند تأثیراتی بر کیفیت هیئت‌مدیره و نظارت آن‌ها داشته باشد؛ بنابراین مدیران و اعضای کمیته حسابرسی تأثیرات زیادی بر عملکرد و تصمیمات مدیران داشته باشند اما در پژوهش حاضر نتایج نشان داد کیفیت کمیته حسابرسی تأثیری بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها ندارد. نتایج پژوهش حاضر نتایج پژوهش هروستیا و سوریادیناتا (۲۰۲۲) را تأیید نمی‌کند که اذعان داشتند کیفیت کمیته حسابرسی تأثیر منفی بر انتخاب استراتژی تهاجمی کسب و کار شرکت‌ها دارد. با توجه به نتایج پیشنهاد

می‌شود شرکت‌ها در ساختار هیئت‌مدیره خود از مدیران غیرموظف و متخصص در امور مالی بیشتر استفاده نمایند تا با کیفیت بالاتر حاکمیت شرکتی، نظارت و دقت بیشتری بر کار مدیران در انتخاب استراتژی‌های تجاری صورت پذیرد. از آنجایی که شرکت‌های با استراتژی تهاجمی نیازمند کنترل‌های دقیق مدیران در تمامی جوانب است به مالکان شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها قبل از روی آوردن به استراتژی‌های تهاجمی از نظر کیفیت کنترل‌های داخلی و سطح نظارتی هیئت‌مدیره بر این کنترل‌ها بررسی دقیق صورت پذیرد. با توجه به این امر که مالکان نهادی سطح نظارتی قوی و حق رأی بالا در شرکت‌ها دارند استفاده از این گروه جهت بالا بردن کیفیت حاکمیت شرکتی شرکت‌ها می‌توان بهره جست. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آتی به بررسی تأثیر مدیریت ریسک بر انتخاب استراتژی‌های تجاری شرکت‌ها و همچنین تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی نوظهور بر استراتژی تهاجمی کسب‌وکار پرداخته و نتایج را با نتایج پژوهش حاضر مقایسه نمایند.

همواره گام نهادن در راه رسیدن به هدف، با محدودیت‌هایی همراه است که باعث می‌شود رسیدن به هدف موردنظر با کندی همراه شود. پژوهش نیز به‌عنوان فرآیندی در جهت نیل به هدف حل مسئله پژوهش، از این امر مستثنا نیست. لذا در این قسمت با ارائه محدودیت‌های پژوهش، سعی بر آن است که به خواننده این پیام داده شود تا بتواند در تعمیم نتایج پژوهش با آگاهی بیشتری عمل کند و در مورد فرآیند پژوهش قضاوت عادلانه‌ای داشته باشد. در این راستا، محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر قابل ذکر است:

- نتایج پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده، لذا در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به سایر شرکت‌ها باید احتیاط لازم به عمل آید.
- عدم استفاده از اطلاعات شرکت‌های غیر بورسی به دلیل عدم امکان دسترسی به آن‌ها.
- با توجه به اینکه قلمرو زمانی پژوهش، سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ بوده است، باید در تعمیم نتایج به دوره‌های قبل و بعدازآن، جنبه احتیاط رعایت گردد.

References

- Abbott, L.J.; Parker, S. & Peters, G.F. (2004). Audit committee characteristics and restatements, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 23 No. 1, pp. 69-87, doi: 10.2308/aud.2004.23.1.69.

Annarelli, A.; Battistella, C., & Nonino, F. (2020). Competitive Advantage Implication of Different Product System Business Models: Consequences of "Not Replicable" Capabilities. *Journal of Cleaner Production*, 247, 114-121.

Asadi, L.; Jarjarzadeh; A.; & Kaab A. (2021). The moderating role of business strategy on the relationship between the dimensions of social responsibility and the economic performance of the company. *Business Management Explorations*, No. 26, Volume 39, pp. 167-205. (in Persian).

Barzegar; Ebrahimi; & Jamil, (2021). The moderating effect of corporate governance on the relationship between social capital and cash dividend policies. *Knowledge of financial accounting*. Volume (8), number (1), pp. 120-93. (in Persian).

Bazrafshan, A., (2015). The impact of audit committee quality on achieving the goals of internal controls governing financial reporting. *Scientific research quarterly, financial accounting empirical studies*, year (13), number (52), pp. 171-196. (in Persian).

Bebchuck, L., & Cohen, A. (2004). The costs of entrenched boards. *Working Paper*. Harvard Law School.

Bentley-Goode, K.A.; Newton, N.J., & Thompson, A.M. (2017). "Business strategy, internal control over financial reporting, and audit reporting quality", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 36 No. 4, pp. 49-69, doi: 10.2308/ajpt-51693.

Blue Ribbon Committee (1999). Report and Recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees. New York: New York Stock Exchange and National Association of Securities Dealers.

Buallay, A., & Al-Ajmi, J. (2020), "The role of audit committee attributes in corporate sustainability reporting: Evidence from banks in the Gulf

Cooperation Council", *Journal of Applied Accounting Research*, Vol. 21 No. 2, pp. 249-264. <https://doi.org/10.1108/JAAR-06-2018-0085>.

Carcello, J.V.; Hermanson, D.R. & Ye, Z. (2011). "Corporate governance research in accounting and auditing: insights, practice implications, and future research directions", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 30 No. 3, pp. 1-31, doi: 10.2308/ajpt-10112.

Chen, Y.; Eshleman, J.D., & Soileau, J.S. (2017). "Business strategy and auditor reporting", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 36 No. 2, pp. 63-86, doi: 10.2308/ajpt-51574.

Chen, Y., & Jermias, J. (2014). Business strategy, executive compensation and firm performance. *Accounting & Finance*, 54(1), 113-134.

Felizia A. R.; TjahjadiDian A., & Noorlailie S., (2022) Business strategy and industrial competition: the case of manufacturing companies. *International Journal of Business Environment* Vol. 13, No. 1 Published Online: January 5, 2022 pp 35-59.

Freedom, the universe; Farzaneh, M., & Fallah Karimi, N., (2018). *Investigating the relationship between the characteristics of the board of directors and the performance of the company with the moderating role of the audit committee*. New approaches in management and accounting, number (19), volume (3), pp. 1-19. in Persian.

Ghofar, A., & Islam, S.M.N., (2015). Corporate Governance and Contingency Theory: A Structural Equation Modeling Approach and Accounting Risk Implications, *Springer International Publishing Switzerland*, available at: <https://link.springer.com/book/10.1007/978-3-319-10996-1>.

Habib, A., & Hasan, M.M. (2017). Business strategy, overvalued equities, and stock price crash risk. *Research in International Business and Finance*, 39, 389-405.

Hajiha, V., & Adeleh, A., (2018). *Audit committee characteristics and comparability of financial statements with an emphasis on the size of the audit firm and corporate governance*. Knowledge of financial accounting, volume (6), number (3), pp. 117-95. (in Persian).

Herusetya, A., & Suryadinata, M. (2022). "Business strategy typologies: do the board of commissioners and audit committee concern about prospector-type strategies?", *Asian Journal of Accounting Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/AJAR-10-2021-0188>.

Khoini, B.; Faqih, M., & Shafiei, M. (2017). *The relationship between audit committee characteristics and company performance criteria*. *Accounting and Auditing Research*, No. 40, pp. 105-126. (in Persian).

Kim, J-B.; Lee, J.J., & Park, J.C. (2016). *Internal Control Weakness and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2481600>.

Klein, A. (2002). *Audit committee, board of director characteristics, and earnings management*, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33 No. 3, pp. 375-400, doi: 10.1016/S0165-4101(02)00059-9.

Kong, X. F., & Jiang, L Zhu - Economic Modelling((2022). Business strategy, corporate social responsibility, and within-firm pay gap. *Economic Modelling*. Volume 106, January 2022, 105703 <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2021.105703>.

Kumar, V.; Verma, P., & Mittal, A., Tuesta Panduro, J.A., Singh, S., Paliwal, M. and Sharma, N.K. (2022). "Adoption of ICTs as an emergent business strategy during and following COVID-19 crisis: evidence from Indian MSMEs", *Benchmarking: An International Journal*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/BIJ-11-2021-0685>

Lak, L., & Moulai Birgani, F. (2017). *The effect of the quality of corporate governance on the performance of companies active in the Tehran Stock*

Exchange. New researches in management and accounting, new period, number 20, pp. 231-244. (in Persian).

Lin, J.W., & Hwang, M.I. (2010). "Audit quality, corporate governance, and earnings management: a meta-analysis", *International Journal of Auditing*, Vol. 14 No. 1, pp. 57-77, doi: 10.1111/j.1099-1123.2009.00403.x.

Lin, J.W., Li, J.F. & Yang, J.S. (2006). "The effect of audit committee performance on earning squality", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 21 No. 9, pp. 921-933, doi: 10.1108/02686900610705019.

Mamorabadi, M.; Ghafourian Zafari, M. S., & Davoudi, M. (2018). *Investigating the relationship between business strategy and the weakness of internal controls*. Research in accounting and economic sciences. Year 3, No. 5, pp. 79-86. (in Persian).

Marfoo, M., & Shakri, R. (2017). *Business strategies and its relationship with financial performance*. Accounting empirical research. Volume (8), No. (1), pp. 157-183. (in Persian).

Menon, K., & Williams, D.J. (1994). "The use of audit committees for monitoring", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 13 No. 2, pp. 121-139, doi: 10.1016/0278-4254(94)90016-7.

Miles, R. E.; Snow, C. C.; Meyer, A. D., & Coleman Jr, H. J. (1978). Organizational strategy, structure, and process. *Academy of management review*, 3(3), 546-562.

Naseri, A.; Soleymani, S., & Yazdifar, H. (2017). *The Impact of Corporate Governance on Working Capital Management Efficiency of Firms Accepted in Tehran Stock Exchange*.-*Journal of Financial Management Perspective*, 7(20), 55-70. (in Persian).

Noor, A.; Farooq, M., & Tahir, Z. (2022). "Nexus between audit committee and corporate risk: evidence from Pakistan", *Corporate Governance*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CG-11-2021-0418>.

RahmatiZad Khajeh P., J.; Derakhshani Darabi, K.; Nademi, Y., & Asayesh, H. (2020). *the Corporate Governance and Disclosure of Information Relations and Their Effects on the Banks Performance*. -Journal of Financial Management Perspective, 10(31), 129-151. doi: 10.52547/jfmp.10.31.129. (in Persian).

Ramsay, I. (2001). Ramsay Report. Independence of Australian company auditors. Review of current Australian requirements and proposals for reform. <http://www.treasury.gov.au>.

Rostami, W.; Rezaei, L., & Commerce, Z. (2021). *The effect of competition in the product market and life cycle on the business strategy of companies with an emphasis on new companies*. Smart Business Management Studies, Allameh Tabatabai University, Volume (9), Number (36). (in Persian).

Sarbanes, P., & Oxley, M. (2002). Sarbanes -Oxley Act of 2002. Washington, DC:U.S.Congress.

Snow, C. C., & Hambrick, D. C. (1980). "*Measuring organizational Strategies: Some Theoretical and Methodological Problems*". The Academy of Management Review, 5(4), 527-538. <https://doi.org/10.2307/257458>

Tanani, M., & Mohebkah, M. (2013). *Investigating the relationship between business strategy, profit quality and stock returns in companies listed on the stock exchange*. Experimental accounting research. No. 13. pp. 105-127. in Persian

Valizadeh Larijani, A., & Khodayi, M. (2020). *The moderating effect of internal auditor performance quality on the relationship between corporate governance quality and company performance*. Financial Accounting and Audit Research, No. 52, pp. 1-22. (in Persian)

Yazdifar, H., & Mohammadi Seh Duran, S. (2021). *The role and importance of audit, reward and introduction committees in companies' boards of directors*. Accounting and Auditing Studies, No. 41, pp. 47-64. (in Persian)

Yuan, Y.; Lu, L. Y.; Tian, G., & Yu, Y. (2020). *Business strategy and corporate social responsibility*. Journal of Business Ethics, 162(2), 359-377.